

بالاخره جانشین ویلموتس  
مشخص شد

اسکو چیچ روی نیمکت  
تیم ملی فوتبال ایران

در صفحه ورزشی بخوانید

به بهانه برگزاری «شب بهمن  
فرزانه» در سلسله شب‌های بخارا

این دیگر  
فرزانه نیست

در صفحه فرهنگی بخوانید

وزیر نیرو اعلام کرد

افزایش ۱۲ برابری ظرفیت  
تولید برق در ۴۲ سال

در صفحه اقتصادی بخوانید



■ سال بیست و ششم ■ شماره ۲۷۴۶ ■ شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۸ ■ ۱۴۴۱ ■ ۲۰ صفحه ■ قیمت در تهران و البرز ۳۰۰۰ تومان / دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان ■ Saturday ■ 8 Feb. 2020 ■ ISSN1027-1449 Keytitle: IRAN (Tehran)

هشدار رئیس دفتر رئیس جمهوری به مخالفان دولت:

# آدرس غلط به خارج ندهیم

- اگر مردم ناامید شوند، قادر به حل مشکلات کشور نخواهیم بود  
- باحضور واعظی کارخانه چوب مازندران به مدار تولید بازگشت

رئیس دفتر رئیس جمهوری | **گزارش**  
گروه سیاسی

و گلستان سفر کرد. محمود واعظی علاوه بر افتتاح این طرح‌ها و پروژه‌ها در جلسات شورای اداری دواستان و همچنین در جلسه‌ای با کارآفرینان و فعالان اقتصادی مازندران بر حمایت از بخش خصوصی، همکاری بین دولت و بخش خصوصی در شرایط فعلی تأکید کرد. او همچنین حضور در انتخابات اسفند ماه را مهم ارزیابی کرد و توضیح داد که اعمال فشارهای تشدید شده امریکایی‌ها علیه ایران توانسته آنها را به اهداف خود

هشدار دموکرات‌ها پس از تبرئه رئیس جمهوری امریکا از استیضاح، به مدد رأی جمهور یخواهان:

## تحقیقات علیه ترامپ ادامه می‌یابد

۴

عباس آخوندی و اکبر ترکان  
از خاستگاه فساد می‌گویند

## نبود رقابت و شفافیت فساد می‌سازد

۸

## سایه مافیا بر بساط دستفروشان تهران

- طرح ساماندهی بساط گستران  
از ابتدای اسفند اجرا می‌شود

۵

«ایران» دلایل رشد بخش کشاورزی را  
بررسی می‌کند

## بخش کشاورزی تحریم شکن شد

۷

## ۴۱ هکتار از جنگل‌های هیرکانی گیلان سوخت

۵

سردار حاجی‌زاده:

## ناگفته‌های جدیدی درباره «عین الاسد» منتشر می‌کنیم

۲

### صندوق‌های رأی و امروز و فردای ایران

هفته گذشته مهمترین مباحث در فضای سیاسی و عمومی کشور همچنان بحث انتخابات بود. موافقان و مخالفان و گروه‌های مختلف بحث‌هایی را مطرح کردند. در همین راستا مقام معظم رهبری هم در آخرین موضع‌گیری خود فرمودند: «برگزاری پرشور انتخابات و حضور همگانی مردم در پای صندوق‌های رأی، تضمین‌کننده امنیت کشور خواهد بود.» ایشان با دعوت همگانی از مردم برای شرکت در انتخابات تأکید کردند: «ممکن است کسی از بنده خوشش نیاید اما اگر ایران را دوست دارد، باید به پای صندوق رأی بیاید؛ بنابراین هر کس به ایران علاقه‌مند است و امنیت کشور، حل شدن مشکلات و گردش صحیح نخگانی را دوست دارد، در انتخابات شرکت کند.» این نگاه همواره مقوم و مدافع برگزاری پرشور انتخابات بوده و همواره نگاه انتخابگر را در مقابل انفعال و انزوا برگزیده است. این نگاه کلان‌گرا و آینده‌نگر را باید در مقابل جریان‌ی قرار داد که همیشه تحریم صندوق رأی را تبلیغ می‌کنند که هدف آنها خارج کردن چهره جمهوری اسلامی ایران از یک نظام صندوق‌محور است. این گروه در ۴۰ سال اخیر در آن‌سوی اعتقاد به صندوق، راه تحول ایران را در کشاندن به اقدامات خشونت‌آمیز می‌دانند و حتی از تحریم‌های ترامپ هم حمایت کردند. جریان و گروه دیگری هم در داخل هستند که نسبت به شیوه برگزاری انتخابات اعتراض دارند و سید نامزدها را بزرگ تلقی نمی‌کنند و با اعتقاد به مشارکت و صندوق‌محوری به توجیه شرایط ایجاد شده، به نوعی درباره بی‌فایده‌گی صندوق سخن می‌گویند. من با همه این شرایط و دیدگاه‌های موجود معتقدم که صندوق دستاورد بزرگ انقلاب اسلامی ماست.

در اصل انقلاب ما یک انقلاب انتخاباتی است و هوشمندی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و تأکید بر مشروعیت‌بخشی مدنی برای تأسیس جمهوری اسلامی ایران با همین منطق صورت گرفت. برای داشتن جامعه‌ای متعادل که بازگشت به گذشته صورت نگیرد باید همه ما صندوق و انتخابات را به عنوان تجلی خواسته‌ها و انتخب برداشت‌ها از چگونگی ایران بهتر و حل مسائل اساسی کشور در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و... حتی خارجی که امروز از اهمیت تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت ایران برخوردار شده، به عنوان راه خود انتخاب کنیم. صندوق رأی ضامن ثبات، امنیت و تعیین جایگاه ایران در جامعه جهانی است؛ چنانکه در حوزه سیاست خارجی یکی از شواهد مسأله ارتباط باجم و انتخابات است. نگاه کنید به معامله قرن. در نقطه اوج آن مراسم شیطانی ترامپ رو به نتانیاهو کرد و گفت «همان طور که همگان می‌دانند من خیلی کارها برای اسرائیل انجام داده‌ام» خدماتی که به زعم ترامپ هیچ رئیس جمهوری دیگر در کاخ سفید جرات انجام آن را نداشت. او گفت من بومد که سفارت امریکا را از تل آویو به قدس منتقل کردم، من بومد که اشغال جولان را به رسمیت شناختم و با اشاره به برجام افزود «شاید مهم‌ترین» این خدمات «خروج از آن توافق وحشتناک بود.» وقتی سخنرانی به این فراز شیطانی رسید حضار مراسم دست زدند و نتانیاهو به نشانه تبریک مکرر دست افشان و شادان به ترامپ نزدیک شد و دست او را فشرد.

باید پرسید چرا ترامپ خروج از برجام را خدمتی مهمتر از به رسمیت شناسی اشغال جولان توسط اسرائیل، مهم‌تر از اشغال مجدد و نمادین قدس شریف و جعل عنوان «پایتخت اسرائیل» برای آن و حتی به تعبیر خود «مهم‌ترین» در قیاس با «معامله قرن» می‌داند. برجام در منظومه تفکر استکباری ترامپ چه ماهیتی دارد که در هر نقطه عطفی خروج از آن عملی قهرمانانه تلقی می‌شود و از جمله در سخنرانی برای توجیه ترور سردار ملی ایرانیان، ترامپ سعی می‌کند ردی برجامی برای موشتک‌های کوبنده عین الاسد بیابد و مدعی شود بدون پول آزاد شده در جریان برجام، ایران نمی‌توانست چنین توانی داشته باشد؟

بدون تردید بخشی از علل این برجام ستیزی دیوانه وار را باید در روانشناسی شخصی ترامپ جست‌وجو کرد. ترامپ هنوز در آستانه تثبیت در کاخ سفید بود که واشنگتن پست به نقل از یک منبع آگاه فاش کرد و در پاسخ به استدلال‌های مشاورانش «از کوره در رفت» و با عصیانیت پرسید چرا باید سیاست‌های شکست خورده اوباما در قبال ایران را ادامه دهد و از برجام که آن را «فاجعه آمیز»



علی ربیعی  
دستیار ارتباطات  
اجتماعی رئیس  
جمهوری و  
سخنگوی دولت

دولت‌نامه

می‌داند پشتیبانی کند؟

حساسیت ضد برجامی ترامپ آنقدر بالا بود که رئیس جمهوری در سازمان ملل برای اینکه کمترین روزنه‌های مذاکره و بازگشت به ۵ بعلاوه ۱ را نبسته باشد، گفت اگر با اسم برجام مشکل دارید به رسم آن بازگردید. ترامپ اما در موارد متعدد از جمله ضمن گفت‌وگو با وزیر خارجه رژیم صهیونیستی و پس از آن در سخنرانی توجیه جنایت ترور یسم و نهایتاً در مراسم شیطانی موسوم به «معامله قرن» نشان داد که مشخصاً با «رسم برجام» مخالف است و نه فقط اسم آن. او بارها گفته است که با نفس توافق و معامله مخالفتی ندارد و بارها مدعی شده خواهان توافقی «بهتر از توافق هسته‌ای برجام» است. اما نوع توافق و معامله‌ای که ترامپ خود را پرچمدار آن می‌داند چیست؟ شاید هیچ جابهنر از طرح موسوم به «معامله قرن» نتوان به کنه و ماهیت «معامله» مطلوب ترامپ پی برد. معامله قرن به تعبیر هوشمندانه‌ای که برخی کارشناسان ژرف نگر گفتند در حقیقت معامله‌ای نیست که فلسطین و فلسطینی‌ها یک طرف آن باشند، معامله‌ای است استوار بر غیاب طرف اصلی آن یعنی غیبت خود فلسطینی‌ها. این معامله‌ای که فلسطینی‌ها «اطرف» آن نیستند بلکه «موضوع» آن هستند. معامله‌ای است بر سر فلسطین نه با خود فلسطینی‌ها. معامله‌ای که برای فهم آن باید به آن کارتون مشهور متوسل شد که ترامپ دست توافق به سوی نتانیاهو دراز می‌کند و در همان حال پایي بر فرق و پایي دیگر بر شکم فلسطینی سرنگون شده و نقش بر زمین دارد. این وضعیت از دیدگاه ترامپ وضعیت آرمانی برای معامله است. اواز همان ابتدا یعنی در همان کمپین انتخاباتی بارها تأکید کرده که نفس‌های ایران در حال مارش بود و چیزی به سرنگونی نمانده بود که اوباما به کمک آن شتافت. به تعبیر دیگر و به کمک عناصر تصویری آن کارتون می‌توان گفت که از نظر ترامپ ایران در حال فلسطینی شدن یعنی به اشغال در آمدن و بی‌رقم شدن بر اثر محاصره و تحریم‌هایی مشابه غزه بود که برجام آمد و آن فرآیند را معکوس کرد.

برجام اما آن توافق یکسویه و کاریکاتورگونه‌ای که ترامپ برای فلسطینی‌ها تخیل می‌کرد، معامله قرن در مفهوم راستین آن بود. حتی جنبه شکلی آن، نفس چپش برچمه‌ها و همجواری با شش قدرت بزرگ جهانی حکایت از یک توافق به راستی بزرگ داشت. اگر تا لحظه قبل از حصول توافق ایران به شکل یک «موضوع امنیتی» و «عضلی جهانی» بازنامی می‌شد در لحظه شکل‌گیری توافق ایران با پشت سر گذاشتن آن اتهامات، از حالت «موضوع امنیتی» به حالت طرف یک معامله بزرگ امنیتی تبدیل شد. قبل از توافق سخن از امنیتی بود که جهان می‌بایست «به رغم ایران» بدان نایل شود، اما پس از توافق همگان بر امنیتی پای فشرده که می‌باید از طریق ایران و به کمک ایران و جهان حاصل شود.

یعنی آن شش طرفی که به نمایندگی از «جهان» در مقابل ایران قرار گرفته بودند موضع خود را تغییر داده، در کنار یکدیگر و در کنار ایران قرار گرفته و به شکل یک هیأت هفت جانبه، به‌طور مساوی و برابر حقوق، خود را در برابر جهان و مطالبه جهانی برای امنیت مسئول و متعهد دانستند. این اتفاقی بود که به تعبیر هوشمندانه رئیس جمهوری در همان زمان همه را خوشحال کرد «به جز صهیونیست‌ها». اسرائیل نمی‌خواست ایران از حالت موضوع و معضل امنیتی برای جهان عبور کرده و به طرف یک توافق بزرگ جهانی تبدیل شود. امنیتی‌سازی ایران یک جمل صهیونیستی و یک برساخته بزرگ و دارای کارکرد فراوان بود که اسرائیل نمی‌خواست به سادگی آن موقعیت را از دست بدهد. ایران به یمن معجزه انتخابات ۹۲ بود که از آن وضعیت تحمیلی خلاص شد. اکنون در آستانه یک انتخابات دیگر قرار داریم و برگزاری این انتخابات در سطح استانداردهای قانون اساسی می‌تواند کارکردی محاصره شکن به خود بگیرد و حصر دونالد ترامپی را از جغرافیای کشورما دور کند.

نیازمندیم که برای حل مسائل داخلی، خارجی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به انتخابات رجوع و هویت صندوق را حفظ کنیم. همان‌گونه که در این یادداشت بسط دادم و رابطه انتخابات با عقب‌نشینی سیاستمداران امریکایی را توضیح دادم برای تحریم‌شکنی و عقب راندن ترامپ نیازمند صندوق‌محور بودن تحولات در ایران هستیم. من فکر می‌کنم به رغم همه دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرانی که سابقاً مختلف بیان کرده‌اند، حضور در پای صندوق رأی را باید پاس بداریم و سعادت آینده همه ما ایرانیان در پاسداشت صندوق‌های مشارکت در انتخابات است. این بار هم باید این راه را پاس بداریم.

### استیضاحی که زوال سیاسی امریکا را رقم زد

به‌طور معمول استیضاح‌ها در تاریخ امریکا که استیضاح «دونالد ترامپ» چهارمین آنها بود، بیشتر بار سیاسی دارند تا حقوقی. این استیضاح نیز از این قاعده مستثنی نبود. اما آنچه از این رویداد و حواشی آن برای جهان به جا ماند، برما شدن زوال سیاسی امریکاست.

از روز نخست آغاز تحقیقات درباره استیضاح رئیس‌جمهوری امریکا مشخص بود این استیضاح منجر به برکناری «ترامپ» نمی‌شود. همان‌طور که تا پیش از این هیچ‌کدام از پرونده‌های استیضاح قبلی در تاریخ امریکا منجر به چنین نتیجه‌ای نشده بود. بنابراین برخلاف آنچه دموکرات‌ها انتظار داشتند استیضاح نه تنها نتوانست به نتیجه مطلوب آنان منجر شود، که باعث افزایش نسبی محبوبیت آقای ترامپ شد. زیرا جمهوریخواهان به‌طور معمول وثابت، آرایی حدود ۴۰ تا ۳۵ درصد از مجموع آرای به صندوق انداخته شده را به‌دست می‌آورند که اکثریت آن را سفیدپوستان سنتی تشکیل می‌دهند که خاستگاه آنان بیشتر در ایالات شمال شرقی امریکا است. این سفیدپوستان که اغلب بسیار ثروتمند و از نظر مذهبی بسیار متعصب هستند، با لابی‌پهودی ارتباط نزدیکی دارند و بنابراین بسیاری از سخنان و اقدامات افراطی ترامپ را نه تنها نفی نمی‌کنند که آنها را یک نوع سربلندی و افتخار برای هر رئیس‌جمهوری از جمله ترامپ قلمداد می‌کنند. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت، آرای انتخاباتی رئیس‌جمهوری کنونی امریکا در انتخابات ۲۰۲۰ ریزش کند. حتی چه بسا با توجه به رفتارهای ناپسندی که بین ترامپ و ناسی پولوسی به‌طور متقابل به وجود آمد، افزایش هم پیدا کند و باعث توجه شمار بیشتری از آنان به رئیس‌جمهوری کنونی امریکا شود. بویژه که سفیدپوست‌های متعصب امریکا ارزشی برای رنگین‌پوست‌ها و مهاجران قائل نیستند و به افرادی مثل ناسی پولوسی که اصلاتی ایتالیایی دارد، به چشم یک بیگانه نگاه می‌کنند.

در این بین رویداد برخورد دو مقام عالیرتبه امریکایی، رویدادی است که نباید در وقایع مربوط به استیضاح دونالد ترامپ از نظر دور بماند. این رویداد، نشان‌دهنده عمق یک نوع زوال سیاسی در جامعه امریکا است. البته پیش از این نیز نمادهایی از زوال سیاسی امریکا مشاهده می‌شد اما این نمادها در این دوره بیشتر نمایان است. بر برخورد ترامپ و پولوسی ضربه شدیدی به پرستیژ امریکایی زد و ارزش‌هایی که ترامپ بر آنها اصرار دارد را زیر پا گذاشت. این کاهش پرستیژ اجتماعی و رقم خوردن زوال سیاسی امریکا، اگر یک کشور را به سمت یک نوع فتنای اخلاقی می‌برد و باعث می‌شود، جامعه امریکا که یک جامعه دو حزبی است، به سمت یک دوقطبی کامل حرکت کند. چون دو حزبی بودن، لزوماً به معنای دوقطبی بودن نیست. شاید طیفی از مردم امریکا و بویژه جمهوریخواهان به زوال حیثیتی خود باور نداشته باشند. اما در بین دموکرات‌ها این فکر کاملاً وجود دارد و باعث نوعی سرخوردگی بین آنها شده است. البته زوال سیاسی امریکا مسأله‌ای نیست که فقط برای جمهوریخواهان و دموکرات‌ها اهمیت داشته باشد. در واقع باید لا‌سوم این نگرش را، در لایه‌های بیرون از امریکا جست‌وجو کرد. زوال سیاسی و اخلاقی امریکا چه برای متحدان آن، چه برای رقبایش و چه برای دشمنان این کشور مهم است. همه این کشورها از ژاپن و متحدان خاورمیانه‌ای امریکا گرفته تا روسیه به‌عنوان رقیب قدرتمند آن و کره شمالی که دشمنی چند دهه‌ای بین آن و امریکا جاری است، امریکای جدید را امریکایی می‌بینند که دیگر عملا حیثیت و جبروت دهه‌های ۶۰ و ۷۰ را ندارد و در مسیر سقوط و زوال اخلاقی قرار گرفته است.

### یادداشت



علی بیگلری  
کارشناس  
مسائل امریکا

یادداشت

### یادداشت



جلال چراغپور  
کارشناس فوتبال

یادداشت

### فوتبال ایران پس از سورپرایز دراکان

انتخاب دراکان اسکوچیچ به عنوان سرمربی جدید تیم ملی یک «سورپرایز» بود. او را می‌توان گزینه‌ای مخفی دانست که نامش مطرح نبود. فدراسیون فوتبال روی دو مربی ایرانی یعنی امیر قلعه‌نویی و علی دایی متمرکز بود اما به یکباره این مربی کروات برای تیمکست تیم ملی برگزید.

اسکوچیچ مانند خیلی از مربیان بلوک شرق مثل برانکو ایوانکوویچ، وینکو بگوویچ و لوکا بوناچیچ است که در فوتبال ایران کار کرده‌اند و تفاوت فنی آشکاری با هم ندارند و اگر تفاوتی هم داشته باشند، روی رفتار و اخلاق شان است. چه بسا که از لحاظ رفتاری هم خیلی به هم نزدیک هستند. کاری که این مربیان روی تیم‌ها انجام می‌دهند، این است که نظم حرکتی به تیم‌ها می‌دهند. مشخص‌ترین شان هم برانکو است که هم در تیم ملی و هم پرسپولیس، این نظم در بازی شاگردانش دیده می‌شد. در این میان، بعضی از آنها، اجازه خلاقیت هم به بازیکنان شان می‌دهند ولی نفراتی که برای خودشان بازی کنند و در خدمت تیم نبینند را خیلی نمی‌پسندند. دیدیم که برانکو چه بازیکنانی را کنار گذاشت و نخواست. بازیکنانی که به اصطلاح با توپ زیاد «رو» می‌رفتند و می‌خواستند توپ را برای خودشان نگه دارند.

با این حال، احساس من این است که همین تیم ملی، از فوتبالی که اسکوچیچ بخواهد به تیم تزریق کند، جلوتر است. یعنی اگر تیم ملی را رها کنیم و فرض کنیم که مربی ندار، همان چیزی که از کارلوس کی‌روش باقی مانده و مواردی که مارک ویلموتس در این ۵، ۶ ماهه به تیم اضافه کرد، از تمام پتانسیل سرمربی فعلی تیم ملی بالاتر است. به دلیل اینکه آنها فوتبال اروپای مرکزی و روز دنیا را ارائه می‌دهند و حتی حرف که می‌زنند، برگرفته از برد فکری شان است. در نتیجه انتخاب چنین تفکری (بلوک شرق) برای تیمی که ۸ سال مربی اروپایی داشته، بکی برگشت به عقب است. خود ویلموتس هم با اینکه مدت کوتاهی روی نیمکت تیم ملی بود ولی بیشتر سرمربی تیم ملی بلژیک بود و حتی سابقه بازی در بوندس لیگای آلمان را نیز داشته است.

حالا برخی یک کلمه روتین درست کرده‌اند و می‌گویند مربی باید «شناخت از فوتبال ایران» داشته باشد اما این کلمه پرباری نیست. مثلاً برخی مربیان ایرانی ۲۰ سال است که در فوتبال ایران مربیگری کرده‌اند و قبل از آن هم بازیکن بوده‌اند، بنابراین طبعاً از فوتبال ایران شناخت دارند. مگر به چه چیزی «فوتبال ایران» می‌گویند؟ مگر شوت، پاس دادن و دریبل زدن در دنیا با هم فرق دارد؟ آیا کی‌روش فوتبال ایران را بازی می‌کرد یا فوتبال اروپا را در تیم ملی درست کرد؟ اگر منظور از شناخت فوتبال ایران، بازیکنان باشد که الان ۷۰ درصد تیم ملی در خارج از ایران بازی می‌کنند و آنهایی که می‌توانند لژیونر شوند، یک گام از فوتبال داخلی جلوتر هستند که مشتری دارند. الان مهدی طارمی و سردار آزمون را نمی‌توان به تیم ملی نیاورد. در این شرایط، هر کسی را که سرمربی می‌کردند، می‌شد گفت با فوتبال ایران آشنایی دارد.

در کل، من از این کلمات دو پهلو که فوتبال قابل پیش بینی نیست و در زمین مشخص می‌شود، نمی‌خواهم استفاده کنم. به فرض اینکه ما در دور اول مقدماتی که در آن گیر افتاده‌ایم، بحرین و عراق را شکست دهیم و صعود کنیم، در دور نهایی مقدماتی به مشکل می‌خوریم، چون اشکال داریم. در این شرایط، بعید می‌دانم که به جام جهانی ۲۰۲۲ قطر صعود کنیم. چون به اصطلاح خواب‌مان را گم کرده‌ایم، یکی همه این کشورها از ژاپن و متحدان خاورمیانه‌ای امریکا گرفته تا روسیه به‌عنوان رقیب قدرتمند آن و کره شمالی که دشمنی چند دهه‌ای بین آن و امریکا جاری است، امریکای جدید را امریکایی می‌بینند که دیگر عملا حیثیت و جبروت دهه‌های ۶۰ و ۷۰ را ندارد و در مسیر سقوط و زوال اخلاقی قرار گرفته است.

## به خودم گفتم فیلمی بساز که با آن نفس بکشی

گفت وگو با نیکو کریمی در حول و حوش «آتابای» و جهانی که در آن خلق می‌کند

۱۳



سجاد مشرف / ایران

گزارش «ایران» از حال و هوای  
برگزاری همزمان سی‌وهشتمین  
جشنواره فیلم فجر در شهرستان‌ها

## جشن سینما در ایران همه گیر شد

۱۹۹۱۱

مسعود کیمیایی در حاشیه جشنواره:

## تصمیم شخصی من نباید دیگران را تحت فشار بگذارد

۲۰



### ایران جشنواره

هر روز ۴ صفحه همراه روزنامه  
۱۶ صفحه در سالن‌های  
نمایش فیلم و اجرای تئاتر

رضا گشتاسب در گفت‌وگو با «ایران»:

## جشنواره برای تئاتر شهرستان

### اتفاق بزرگی است

- سعید محسنی در گفت‌وگو با «ایران»  
از نمایش «کلاغ‌ها» می‌گوید:  
یک نمایش درام اصفهانی

۱۶۱۳۳

## ایران جشنواره

ویژه سی و هشتمین جشنواره بین‌المللی هر روز  
در سالن‌های اجرا توزیع می‌شود

